

## «مطالعات جامعه‌شناسی»

سال چهارم، شماره سیزدهم، زمستان ۱۳۹۰

ص ص ۶۰-۴۷

### بررسی مقایسه‌ای میزان رضایت از زندگی زنان شاغل و خانه‌دار

جعفر ابراهیمی<sup>۱</sup>

فرزانه صالحی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱/۲۴

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۳/۳۱

#### چکیده

پژوهش حاضر تحت عنوان "بررسی مقایسه‌ای میزان رضایت از زندگی زنان شاغل و خانه‌دار" به منظور نشان دادن تأثیر اشتغال بر میزان رضایت آن‌ها از زندگی زناشویی صورت گرفته است. روش پژوهش، پیمایش از نوع علی-مقایسه‌ای است. در مطالعه حاضر با توجه به این که ابزار اندازه‌گیری شاخص استاندارد بوده و هم‌چنین پایایی آن توسط افراد مختلف با ضریب آلفای بالای ۹۰٪ اندازه‌گیری شد لذا لزومی به آزمایش دوباره آن نبوده، بنابراین به اطلاعات و گزارش‌های گذشته اتکا گردیده است. داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه استاندارد شده، توسط ۱۵۰ نفر از زنان شاغل (زنان معلم ساکن در منطقه ۶) بعنوان گروه کنترل و ۱۵۰ نفر زنان خانه‌دار ساکن در آن منطقه بعنوان گروه مقایسه گردآوری شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آماره‌های توصیفی و آزمون‌های دو استفاده گردید. نتایج حاصله از تحقیق نشان داد که بین اشتغال و میزان رضایت از وضعیت اقتصادی خانواده، رضایت از وضعیت تربیتی فرزندان و رضایت از فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت رابطه وجود دارد. واژگان کلیدی: زنان، اشتغال، رضایت از زندگی، خانه‌داری.

#### مقدمه

حرکت سریع جامعه‌ی ایران به سوی تمدن، موجب رشد روزافزون تعداد زنان شاغل و ورود آنان از عرصه خصوصی به عرصه عمومی شده است. در این زمینه می‌توان به افزایش نسبی سهم زنان شاغل اشاره کرد. شمار زنان شاغل طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ نزدیک به سه برابر شده و از ۹۹۸۰۰۰ نفر به

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلیخال، گروه علوم اجتماعی؛ خلیخال- ایران.

E-mail: ebrahimi\_aukh@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول).  
E-mail: salehi\_farzaneh@alumni.ut.ac.ir

۲۷۸۲۰۰ رسیده است. هم‌چنین نسبت زنان به کل جمعیت شاغل کشور از ۸/۹ درصد به ۱۳/۶ درصد رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸).

تجربیات شخصی و یافته‌های پژوهشی بر این واقعیت دلالت دارند که شاغل بودن زنان مانند هر پدیده دیگر در بردارنده مجموعه‌ای از فرصت‌ها و محدودیت‌های مختلف است. وجود نگرش‌ها و باورهای سنتی حاکم بر جامعه که مبتنی بر مرد نان‌آور و زن خانه‌دار می‌باشد، پیامدهای عملی را برای زنان متأهل به وجود آورده است که همان تضاد بین نقش زنان به عنوان یک همسر-مادر در خانه و یک زن شاغل در بیرون از خانه می‌باشد و تقسیم کار سنتی حاکم بر جامعه که به لحاظ بیولوژیکی یا طبیعی زنان را مادر-همسر فرض می‌کند و تحولات اخیر در اندیشه‌های زنان که موجب شده است آن‌ها تنها وظیفه خود را مادری و خانه‌داری فرض نکرده بلکه پا به پای مردان وارد جامعه شده و در کسب هویت فردی و اجتماعی خود تلاش کنند باعث بروز تنش‌ها و فشارهایی شده است که نه تنها زنان بلکه خانواده را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. داشتن شغل به معنای امروزی آن منجر به ایفای همزمان نقش‌ها در میان زنان است که تنوع نقش‌ها را برای زنان به همراه آورده است.

از نظر جامعه‌شناسان کارکردگرا، تنها نقش اساسی زنان در جامعه برآوردن نیازهای جنسی مردان و فرزندزایی است و نباید تغییری در این نقش‌ها ایجاد گردد. از نظر تالکوت پارسونز زنان نباید در زندگی شغلی از الگوی مردانه پیروی نمایند و در رقابت مستقیم با مردان طبقه خویش برآیند، زیرا تغییر در فرصت‌های شغلی و ایجاد برابری موجب از هم‌گسیختگی ساخت خانواده خواهد شد. هم‌چنین هرگونه تغییر در نقش زنان خطرات زیادی در پی دارد و واگذاری نقش به زنان در امور اقتصادی و سیاسی، سبب تخریب کارکردهای کنونی جامعه می‌شود (موحدی، ۱۳۸۰: ۱۱).

حضور جدی زنان در فعالیت‌های اجتماعی و کار بیرون از منزل باعث گردیده تا به نقش‌های همسری و مادری و اداره‌ی امور خانواده و فرزندان نقش شغلی هم اضافه گردد که گاه این دو در تعارض باهم قرار می‌گیرند. بنابراین می‌توان گفت که در کنار آثار مثبت اشتغال از قبیل کسب استقلال مالی، اعتماد بنفس، کاهش افسردگی، آثار و تبعات منفی نیز ممکن است به دنبال داشته باشد. از جمله می‌توان به فشار روحی و جسمی ناشی از کار مضاعف و احساس تقصیر در رسیدگی به امور منزل، استرس و ... اشاره کرد. در خصوص اشتغال زنان و تأثیری که این امر می‌تواند بر سلامت فردی و خانوادگی داشته باشد دو رویکرد کلی وجود دارد:

رویکرد مثبت که معتقد است اشتغال اثر منفی بر سلامت جسمانی و روانی زنان ندارد. در اصل به نظر می‌رسد که اشتغال هم سلامت زنان مجرد و هم سلامت زنان متأهل را که نگرش‌های مثبت نسبت به اشتغال دارند بهبود می‌بخشد. زنان با اشتغال عموماً حمایت اجتماعی از همکاران و سرپرستان کسب می‌کنند و این عامل به نظر می‌رسد که در افزایش اثرات بهداشتی که اشتغال بر زنان می‌گذارد، اهمیت دارد.

رویکرد منفی که معتقد است زنان بطور فطری دارای رسالتی هستند و آن تربیت فرزند و شوهرداری و رسیدگی به امور خانه است و پدر خانواده با داشتن شغل و درآمد رهبر اصلی خانواده محسوب می‌شود و اگر زن شغل نان‌آور را بر عهده گیرد خطر رقابت با شوهر به میان می‌آید، مسأله‌ای که برای وحدت و هماهنگی خانواده زیان‌آور است (ساروخانی و دیگران، ۱۳۷۵: ۱۵۹).

عده‌ای دیگر اذعان دارند که به علت مضاعف شدن وظایف زنان علاوه بر انجام امور خانه در خارج از خانه و تحمل خستگی ناشی از آن به علت عدم رعایت تقسیم کار در انجام وظایف سنتی منجر به ضعف یا از بین رفتن سلامت روانی و جسمانی زنان می‌شود.

در همین راستا، در این تحقیق درصدد آنیم که بدون پذیرش هیچ یک از دو دیدگاه فوق و با در نظر داشتن یک رویکرد کاملاً علمی، صحت و سقم دیدگاه بالا را بسنجیم. بنابراین در پی آن هستیم که ببینیم اشتغال زنان در خارج از خانه چه تأثیری بر رضایت از زندگی زناشویی می‌تواند داشته باشد؟

### اهداف تحقیق

هدف اصلی: هدف اصلی پژوهش، شناخت در جهت میزان رضایت از زندگی زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار می‌باشد.

### اهداف فرعی

- بررسی مقایسه‌ای وضعیت رضایت از مسائل اقتصادی خانه در میان زنان شاغل و خانه‌دار.
- بررسی مقایسه‌ای وضعیت رضایت از تربیت فرزند در میان زنان شاغل و خانه‌دار.
- بررسی مقایسه‌ای وضعیت رضایت از فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت در میان زنان شاغل و خانه‌دار.
- بررسی مقایسه‌ای وضعیت رضایت از انجام کارهای خانه در میان زنان شاغل و خانه‌دار.
- بررسی مقایسه‌ای رضایت از وضعیت رفع تعارض زناشویی در میان زنان شاغل و خانه‌دار.

### چارچوب نظری پژوهش

در نظریه خانواده دوگانه شغلی هم زن و هم شوهر به شغل‌هایی اشتغال دارند که مستلزم درجه عالی تخصص و درکنار آن، پذیرش مسئولیت درسطوحی مشابه‌اند و رابرت و رونا رابوپورت به‌تحلیلی ساختاری از فشارهایی مبادرت ورزیده‌اند که این نوع خانواده‌ها هنگام انطباق با دگرگونی اجتماعی تجربه می‌کند.

رابوپورت ۵ سنخ از این تنش‌ها را تشخیص می‌دهد:

بار اضافی، تحریم‌های اجتماعی، هویت شخصی و اعتماد بنفس، معضل شبکه اجتماعی و معضل تکثر چرخه نقش.

هریک از زوجین تقاضاهایی متفاوت دارد که از موقعیت نقش او در نظام ناشی می‌شود و مضافاً تقاضاهای ناشی از هر نقش بنابراین که زندگی خانوادگی در چه مرحله‌ای باشد متفاوت خواهند بود. سود در حوزه خانوادگی می‌تواند به معنی زیان در حوزه شغلی باشد و بالعکس، ترکیب‌های مختلف از نقش‌ها را می‌توان در غالب چرخه مضاعف زندگی خانوادگی و حرفه‌ای تصور کرد. این فرضیه به منزله نمونه‌ای در نفی نظرات پارسونز می‌باشد. زیرا چنین زوج‌هایی از درجه عالی رضامندی زناشویی برخوردار می‌شوند (سگالن، ۱۳۸۵: ۲۵۷).

در این الگو از آن‌جا که زوجین هر دو در سمت‌های شغلی نسبتاً موفقی قرار دارند و این مستلزم تحصیلات عالی و سطوح بالای آموزشی است. لذا همین سبب تعامل بیشتر در محیط خانوادگی، هم جهت تربیت فرزندان و هم امور مربوط به خانه می‌باشد (سگالن، ۱۳۸۵: ۲۵۸).

تئوری مبادله یک تئوری جامعه‌شناختی است که شدیداً تحت تأثیر روان‌شناسی و رفتارگرایی کسانی چون بی. اف اسکینر و نیز رشته‌های عملی دیگری از جمله اقتصاد بوده است. "نقطه عزیمت نظریه اسکینر متکی بر این فرض است که رفتار با توجه به نتایج آن شکل می‌گیرد و ادامه می‌یابد" (توسلی، ۱۳۷۱: ۳۸۲-۳۸۱).

به طور کلی فکر مبادله بسیار گسترده و فراگیر است و به بده بستان‌های چیزهای ملموس محدود نمی‌شود (اسکیدمور، ۱۳۷۵: ۷۹).

تئوری مبادله بیان می‌کند که مردم تصمیم‌ها و انتخاب‌هایشان را بر اساس پاداش‌ها و هزینه‌های دریافت شده و برای تلاش برای به حداکثر رساندن پاداش و کاهش هزینه‌ها می‌گیرند. بر اساس این نظریه هر رابطه هم پاداش و هم هزینه در بردار دارد. حتی رنگ پوست هم می‌تواند یک متغیر مبادله‌ای باشد. بعضی از محققین این فرضیه را ارائه داده‌اند که در یک جامعه نژادپرست، جایی که پوست سیاه یک هزینه است، در روابط همسرگزینی بین نژادی سیاهان باید ابراز تمایل یا امتیاز بیشتری نسبت به آن‌چه سفید پوستان به سیاهان می‌دهند به سفید پوستان بدهند" (Benokraitis, 2007: 204).

زیمرمن برخی از پیش فرض‌های تئوری مبادله را رفتار عقلانی، به حداکثر رساندن پاداش‌ها و به حداقل رساندن هزینه‌ها و نیز ارزش‌ها و استانداردهایی که مردم دارند، نوع انتخاب‌ها و پاداش‌ها و هزینه‌های آن‌ها را تعیین می‌کند، ذکر می‌کند (Zimerman, 1995: 204).

هومنز به عنوان نظریه‌پرداز عمده این مکتب در پی دستیابی به اصولی بوده که با استفاده از آن‌ها بتواند رفتار انسان‌ها را تبیین کند. وی تبیین‌های کارکردگرایانه و تبیین‌هایی که با استفاده از مفاهیمی چون واقعیت اجتماعی، نیروهای اجتماعی، هنجارها، ارزش‌ها و فرهنگ به تبیین رفتار انسانی می‌پرداختند را کنار می‌گذارد و تبیین درست را تبیین روان‌شناختی می‌داند. با این حال او در پی توضیح رفتار افراد جدا از هم نبود. گرچه هومنز اصول روان‌شناختی را پذیرفته بود اما افراد را جدا از هم در نظر نمی‌گرفت. او این

را تشخیص می‌داد که انسان‌ها اجتماعی‌اند و بخش چشمگیری از وقت‌شان را درکنش متقابل با همدیگر صرف می‌کنند. هومنز تنها بر این بود که رفتار اجتماعی را با اصول روان‌شناختی تبیین کند (ریترز، ۱۳۷۴: ۲۳۴).

برای فهم دقیق‌تر نظریه مبادله در وضعیت خانواده، باید به پیش‌فرض‌هایی که این نظریه مطرح می‌کند اشاره کرد. این پیش‌فرض‌ها عبارتند از:

الف) رفتار انسان عقلانی است. بدین لحاظ انسان با اطلاع محدود برای حداکثر کردن پاداش و کم کردن قیمت‌ها می‌کوشد.

ب) همه افراد درگیر بعضی از قیمت‌ها هستند. فرقی نمی‌کند که چگونه بعضی از چیزها با مصرف انرژی و زمان برای لذت صورت می‌گیرد.

ج) افراد رفتارشان را در صورتی که قبلاً پاداش گرفته باشند، تکرار می‌کنند.

د) مبادله امری اجتماعی است و براساس اصول متقابل سامان می‌یابد. کسانی که از دیگران پاداش دریافت می‌کنند به دیگران پاداش می‌دهند. شبیه به این، کسانی که به دیگران پاداش می‌دهند انتظار دریافت پاداش از طرف آنان را دارند.

ه) افراد به میزانی که از انجام دادن عملی پاداش می‌گیرند اهمیت کمتری به دریافت پاداش بعدی می‌دهند.

قضایای هومنز به زمان و تجربیات گذشته افراد توجه دارد. این قضایا بیانگر آن است که تاریخ گذشته انسان‌ها تأثیر بسیاری بر رفتار کنونی آن‌ها دارد نه تنها گذشته نزدیک بلکه گذشته خیلی دور نیز از این قاعده مستثنی نیست. از آنجائی که بچه‌ها بیشتر رفتار و ارزش‌های خود را از والدین و اعضای دیگر نسل گذشته فرا می‌گیرند، فرهنگ گذشته یک جامعه گرایش به جاودانگی و پایداری دارد (توسلی، ۱۳۷۱: ۴۰۷).

### پیشینه تحقیق

تحقیقات داخلی و خارجی چندی در این زمینه صورت گرفته است که در ذیل به گزیده‌ای از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- در یک بررسی پیمایشی که امیر رستگارخالد در بین ۳۱۱ زن شاغل دارای همسر در دو منطقه از شهر تهران انجام داده است به این نتیجه رسیده است که مشارکت همسر در کار خانه، تحصیلات وی، احساس برابری زوجین در تقسیم کار خانگی، میزان رضایت زنان از شغل خود، انگیزه اشتغال، محتوای شغل، انعطاف شغلی، سابقه کار و حجم ساعات کار هفتگی، منابع مطلوبی برای زنان در جهت انطباق با فشار به شمار می‌آیند (رستگارخالد، ۱۳۸۸).

- در پژوهشی که زهره خسروی و میترا خاقانی فرد باهدف بررسی عوامل مرتبط باسلامت روان زنان شاغل در بخش‌های مدیریتی، کارشناسی و خدماتی مراکز غیر دولتی شهر تهران انجام دادند به این نتیجه

رسیدند که مقابله به شیوه جسمانی‌سازی، رضایت از زندگی، تعارض نقش، میزان درآمد، ساعات کار و حالات هیجانی منفی تجربه شده در اثر اشتغال، عمده‌ترین عامل ایجاد اختلالات روان‌شناختی است. هم-چنین گروه مدیران و پزشکان، درمقایسه با گروه کارشناسان و گروه خدمات، حالات هیجانی مثبت بیشتر و رضایت از زندگی بالاتری را نشان دادند و گروه خدماتی در مقایسه با دو گروه دیگر، مشکلات روان-شناختی بیشتر و حالات هیجانی منفی‌تری را تجربه کرده بودند (خسروی و دیگری، ۱۳۸۳).

هافمن و نای<sup>۱</sup> (۱۹۷۴) معتقدند، مادران شاغل غالباً از خود احساس رضایت بیشتری دارند تا مادرانی که شاغل نیستند. کودکی که مادر او شاغل است، شاهد روابط مبتنی بر برابری بیشتر والدین است. گلد و اندرز<sup>۲</sup> (۱۹۷۹) طی پژوهشی دریافتند که نوجوانان دارای مادران شاغل درمقایسه با مادران خانه‌دار، احساس خود ارزش‌مندی، سازگاری اجتماعی و حمایت اجتماعی بیشتری می‌کنند (بیابانگرد، ۱۳۷۴).

هوبر<sup>۳</sup> (۱۹۸۱) درمصاحبه‌ای که با ۲۰۰۲ زن شاغل متأهل انجام داده، نتیجه گرفته است که کار خارج از خانه سبب می‌شود که تعاون و همکاری بیشتری در بین زنان و مردان در امور خانه‌داری ایجاد می‌شود. مردانی که دارای همسری شاغل با سابقه کار زیاد و درآمد بالاتر هستند، در امور خانه‌داری بیشتر مشارکت می‌کنند.

مطالعه دیگری که توسط فینلی (۱۹۸۴) از یک نمونه ۱۲۲۳ نفری زنان متأهل آمریکایی انجام شده است، نتایج نشان می‌دهد که زنان شاغل درمقایسه با زنان خانه‌دار مسئولیت کمتری در کارهای خانه‌دارند. به خصوص در مورد نگهداری از بچه، پختن غذا، ظرف‌شویی و تمیز کردن خانه تفاوت دیده می‌شود. هم-چنین در مورد زنانی که درآمد بیشتری نسبت به شوهران‌شان دارند، مسئولیت آن‌ها در کارهای خانه کمتر است (همان: ۱۴۳).

هاوسر و ریک<sup>۴</sup> و همکاران (۱۹۹۰) در پژوهشی با عنوان مقابله با رضامندی زناشویی در زوجین دارای دو شغل با شرکت ۲۶ زوج که زنان آنان دانشجوی بودند، سازگاری طرفین را در رویارویی و مواجهه با استرس‌های موجود بین زن و شوهر که رضامندی زناشویی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مورد بررسی قرار دادند. نتیجه پژوهش نشان داد که استفاده از روش مواجهه یا گریز، اجتناب یا رویارویی به طور معنی-داری ارتباط منفی با رضامندی زناشویی دارد (موسوی، ۱۳۸۹).

طی تحقیق هارتلی<sup>۵</sup> مشخص شد، مادران غیر شاغلی که در نقش خانه‌داری احساس رضایت می‌کنند و مادران شاغلی که از شغل‌شان لذت می‌برند، هر دو از مادران غیر شاغلی که دوست دارند شاغل باشند،

<sup>۱</sup> Hoffman & Nay

<sup>۲</sup> Gold & andre

<sup>۳</sup> Huber

<sup>۴</sup> Houser & Rick

<sup>۵</sup> Hartly

رابطه بهتری با کودکان‌شان برقرار می‌کنند. دختران مادران شاغل درمقایسه با فرزندان مادران خانه‌دار، نه تنها زنان را بهتر درک می‌کنند بلکه مردان را هم منطقی‌تر ارزیابی می‌نمایند (بیابانگرد، ۱۳۷۴: ۵۳).

### روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کمی با استفاده از روش پیمایش (Survey) می‌باشد و به دلیل ماهیت مقایسه‌ای بودن آن، از نوع علی-مقایسه‌ای است. هدف از روش علی-مقایسه‌ای یافتن علت‌های احتمالی یک الگوی رفتاری است. بدین منظور، آزمودنی‌هایی که دارای رفتار مورد مطالعه هستند با آزمودنی‌هایی که این رفتار در آن‌ها مشاهده نمی‌شود، مقایسه می‌شوند (دلاور، ۱۳۷۴: ۳۹۳) و مقایسه‌ای بودن آن به این صورت هست که زنان متأهل معلم مدارس منطقه ۶ تهران با زنان متأهل خانه‌دار ساکن در آن منطقه که هر دو باید دارای فرزند بوده و حداقل ۵ سال از زندگی مشترک‌شان گذشته باشد، مقایسه می‌شوند.

جامعه آماری ما از دو گروه تشکیل می‌شود: گروه اول که گروه اصلی ماست عبارتست از زنان معلم در منطقه ۶ تهران و گروه دوم که گروه شاهد (گواه) است عبارتست از کلیه زنان خانه‌دار ساکن در منطقه ۶. در این پژوهش از آن‌جا که با دو جمعیت آماری مواجه هستیم، بنابراین با دو حجم نمونه نیز مواجه خواهیم بود. جهت پیدا کردن فرمول مناسب برای برآورد حجم نمونه بایستی ابتدا روش نمونه‌گیری مشخص گردد. در این تحقیق جهت تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده گردیده و حجم نمونه محاسبه شده برابر با ۱۵۰ نفر به دست آمده است. همچنین همین تعداد زن خانه‌دار نیز جهت مقایسه به عنوان گروه شاهد انتخاب شده است.

برای گردآوری داده‌های مورد نیاز نیز از یک پرسشنامه با سؤالات باز و بسته استفاده شده است. برای داده‌های این تحقیق از آزمون‌های آماری یک متغیره و دومتغیره استفاده شده و به کمک نرم افزار SPSS با استفاده از آماره‌های توصیفی مانند میانگین، نما و ... و آزمون‌های تبیینی تحلیل شده‌اند.

### تعریف نظری و عملیاتی

#### - اشتغال زنان (متغیر مستقل)

تعریف نظری: به زنانی اطلاق می‌شود که طبق قانون کار شاغل محسوب می‌گردند و حداقل نیمی از روز را به فعالیت کاری مشغول می‌باشند و در ازای فعالیت انجام داده دستمزد مالی دریافت می‌دارند (توسلی، ۱۳۸۵: ۸۶).

تعریف عملیاتی: منظور از زنان شاغل کسانی است که بصورت رسمی یا قراردادی یا پیمانی دراستخدام آموزش و پرورش شهر تهران هستند.

### - رضامندی زناشویی

تعریف نظری: عبدالله‌زاده رضامندی زناشویی را چنین تعریف کرده است:

الف) توافق زن و شوهر در مورد اموری که ممکن است مسائل حادی به بار آورد.

ب) علائق و فعالیت‌های مشترک

ج) ابراز علاقه علنی و مکرر و اعتماد مقابل

د) شکوه و شکایت اندک

ه) شکایت نادر از احساس تنهایی، رنجش، سیاه بختی و مانند این‌ها (عبدالله‌زاده، ۱۳۸۲).

تعریف عملیاتی: الیس<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) معتقد است تعاریف فراوانی برای رضایت از زناشویی وجود دارد از جمله، رضایت زناشویی زمانی حاصل می‌شود که زن و شوهر از تمامی روابط زناشویی خود احساس عینی رضایت، خشنودی و لذت داشته باشند.

وینچ<sup>۲</sup> (۱۹۷۴) معتقد است رضایت زناشویی، انطباق بین وضعیت فعلی و وضعیت مورد انتظار است. طبق این تعریف رضایت زناشویی وقتی وجود دارد که وضعیت موجود فرد در روابط زناشویی مطابق با آنچه داشته باشد و عدم رضایت زناشویی زمانی است که وضعیت زناشویی فعلی با آنچه مورد انتظار و دلخواه اوست منطبق نباشد.

با توجه به این که رضایت زناشویی مفهومی پیچیده است لذا براساس تحقیقاتی که انجام شده این مفهوم به ۱۰ شاخص تقسیم شده که در این جا ۵ شاخص از این مفهوم بررسی می‌گردد:

- رفع تعارض: این مقیاس، نگرش‌ها، احساسات و اعتقادات شخصی همسر را در به وجود آوردن یا حل تعارض ارزیابی می‌کند.

- مسائل اقتصادی: این مقیاس روی علائق و نگرش‌های مربوط به مسائل مالی تمرکز دارد.

- فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت: این مقیاس ترجیحات شخصی هر زوج را برای گذران اوقات فراغت ارزیابی می‌کند.

- وضعیت فرزندان: این مقیاس نگرش‌ها و احساسات شخصی را درباره توافق روی مسائل تربیتی فرزندان می‌سنجد.

- رضایت از انجام کارهای خانه: این مقیاس، نگرش‌ها، احساسات و رضایت فرد را درباره نقش‌های مختلف زناشویی و انجام مسئولیت‌ها بررسی می‌کند.

<sup>1</sup> Elis

<sup>2</sup> Vinch



### اعتبار و پایایی

در این تحقیق برای سنجش اعتبار سعی شد از گویه‌ها و سؤالاتی که در تحقیقات پیشین زیر نظر اساتید مجرب استفاده و اجرا شده بودند، استفاده گردد. بنابراین در این تحقیق از اعتبار صوری استفاده گردیده است. فایده‌ی این روش این است که تحقیق به همان نسبت به شاخص‌های درست دست می‌یابد که تا حد امکان، فارغ از ارزش‌های خاص تحقیق است و خود، واقعیت را آن‌طور که هست می‌سنجد (ساروخانی، ۱۳۷۷: ۱۳۹).

در مطالعه حاضر با توجه به این که ابزار اندازه‌گیری شاخص استاندارد بوده و همچنین پایایی آن توسط افراد مختلف با ضریب آلفای بالای ۹۰٪ اندازه‌گیری شد، لذا لزومی به آزمایش دوباره آن نبوده، بنابراین به اطلاعات و گزارش‌های گذشته اتکا گردیده است.

برای تعیین پایایی پرسشنامه از روش سنجش استواری یا پایایی آزمون-آزمون مجدد استفاده شده است. ۸ نفر از گروه مورد مطالعه و ۸ نفر از گروه مقایسه، پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند و پس از حدود ده روز به همان افراد مراجعه گردید، پس از تکمیل دوباره پرسشنامه همبستگی بالایی بین نتایج مشاهده شد و در نتیجه میزان پایایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت.

### یافته‌های تبیینی

در این بخش از پژوهش به منظور بررسی تفاوت میان دو گروه پاسخگویان از لحاظ متغیرهای مورد آزمایش به ارائه جداول تبیینی می‌پردازیم تا نشان دهیم که بین آن‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد یا خیر. جهت نیل به این هدف نیز از آماره خی دو استفاده کرده‌ایم.

- به نظر می‌رسد بین اشتغال و میزان رضایت از وضعیت اقتصادی خانواده ارتباط وجود دارد. بدین معنی که احتمالاً افراد شاغل از وضعیت اقتصادی خانواده رضایت بیشتری نسبت به افراد خانه‌دار دارند.

جدول شماره (۱): مربوط به رابطه بین رضایت زنان از مسائل اقتصادی و وضعیت آن‌ها به لحاظ معلم/ خانه‌دار بودن

وضعیت افراد	رضایت افراد از وضعیت اقتصادی		
	پایین	متوسط	بالا
جمع	۱۴	۶۸	۶۸
معلم	۷۷٫۸٪	۵۴٫۰٪	۴۳٫۶٪
خانه‌دار	۴	۵۸	۸۸
جمع	۱۸	۱۲۶	۱۵۶
جمع	۱۰۰٫۰٪	۱۰۰٫۰٪	۱۰۰٫۰٪

$$\text{Chi-Square} = ۸/۹۱۳$$

$$\text{Cramer's V} = ۰/۲۷۲$$

$$\text{Sig} = ۰/۰۱۲$$

$$\text{Df} = ۲$$

بر اساس نتایج جدول فوق، مقدار آزمون خی‌دو برابر با  $۸/۹۱۳$  می‌باشد و با توجه به درجه آزادی  $df=2$ ، با قبول خطای کمتر از  $۰/۰۵$  ( $sig=0/012$ ) و درجه اطمینان بیش از  $۰/۹۵$  می‌توان گفت بین رضایت زنان از وضعیت اقتصادی و وضعیت آن‌ها به لحاظ معلم-خانه‌دار بودن رابطه معناداری وجود دارد، یعنی  $H_0$  فرضیه خنثی که نشانگر عدم وجود رابطه است را نمی‌پذیریم و رد می‌کنیم. لازم به ذکر است با توجه به مقدار آزمون کرامر بدست آمده شدت همبستگی بین دو متغیر در حد متوسط می‌باشد.

- به نظر می‌رسد بین اشتغال زنان و رضایت از تربیت فرزند رابطه وجود دارد. بدین معنی که زنان شاغل میزان رضایت بالاتری از وضعیت رضایت از تربیت فرزند در مقایسه با زنان خانه‌دار دارند.

جدول شماره (۲): مربوط به رابطه بین رضایت زنان از مسائل تربیتی فرزندان و وضعیت آن‌ها به لحاظ معلم/خانه‌دار بودن

وضعیت افراد	میزان رضایت افراد از مسائل تربیتی مربوط به فرزندان		
	پایین	متوسط	بالا
معلم	۶	۷۴	۷۰
	۴۰٪	۴۴٫۳٪	۵۹٫۳٪
خانه‌دار	۹	۹۳	۴۸
	۶۰٪	۵۵٫۷٪	۴۰٫۷٪
جمع	۱۵	۱۶۷	۱۱۸
	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪

Chi-Square =  $۶/۸۶۳$       Sig =  $۰/۰۳۲$   
Cramer's V =  $۰/۲۵۱$       Df = ۲

بر اساس نتایج جدول فوق، مقدار آزمون خی‌دو برابر با  $۶/۸۶۳$  می‌باشد و با توجه به درجه آزادی  $df=2$ ، با قبول خطای کمتر از  $۰/۰۵$  ( $sig=0/032$ ) و درجه اطمینان بیش از  $۰/۹۵$  می‌توان گفت بین رضایت زنان از مسائل تربیتی مربوط به فرزندان و وضعیت آن‌ها به لحاظ معلم-خانه‌دار بودن رابطه معناداری وجود دارد، یعنی  $H_0$  فرضیه خنثی که نشانگر عدم وجود رابطه است را نمی‌پذیریم و رد می‌کنیم. لازم به ذکر است با توجه به مقدار آزمون کرامر به دست آمده شدت همبستگی بین دو متغیر در حد متوسط می‌باشد.

- به نظر می‌رسد بین اشتغال و رضایت از فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت رابطه وجود دارد. بدین معنی که زنان شاغل میزان رضایت بالاتری در این خصوص در مقایسه با زنان خانه‌دار دارند.

جدول شماره (۳): مربوط به رابطه بین رضایت زنان از نحوه اوقات فراغت و وضعیت آن‌ها به لحاظ معلم/ خانه‌دار بودن

وضعیت افراد	رضایت افراد از نحوه اوقات فراغت			جمع
	پایین	متوسط	بالا	
معلم	۱۷	۷۶	۵۷	۱۵۰
	۷۳٫۹٪	۵۱٫۴٪	۴۴٫۲٪	۵۰٫۰٪
خانه‌دار	۶	۷۲	۷۲	۱۵۰
	۲۶٫۱٪	۴۸٫۶٪	۵۵٫۸٪	۵۰٫۰٪
جمع	۲۳	۱۴۸	۱۲۹	۳۰۰
	۱۰۰٫۰٪	۱۰۰٫۰٪	۱۰۰٫۰٪	۱۰۰٫۰٪
	Chi-Square=۷/۱۱۳		Sig=۰/۰۲۹	
	Cramer's V=۰/۲۵۴		Df=۲	

بر اساس نتایج جدول فوق، مقدار آزمون خی‌دو برابر با  $۷/۱۱۳$  می‌باشد و با توجه به درجه آزادی  $df=2$ ، با قبول خطای کمتر از  $۰/۰۵$  ( $sig=0/029$ ) و درجه اطمینان بیش از  $۰/۹۵$  می‌توان گفت بین رضایت زنان از نحوه اوقات فراغت و وضعیت آن‌ها به لحاظ معلم- خانه‌دار بودن رابطه معناداری وجود دارد، یعنی  $H_0$  فرضیه خنثی که نشانگر عدم وجود رابطه است را نمی‌پذیریم و رد می‌کنیم. لازم به ذکر است با توجه به مقدار آزمون کرامر به دست آمده شدت همبستگی بین دو متغیر در حد متوسط می‌باشد. - به نظر می‌رسد بین اشتغال و رضایت از انجام کارهای خانه رابطه وجود دارد. بدین معنی که زنان شاغل از میزان رضایت بیشتری در این زمینه نسبت به زنان خانه‌دار برخوردارند.

جدول شماره (۴): مربوط به رابطه بین رضایت زنان از انجام کارهای خانه و وضعیت آن‌ها به لحاظ معلم/ خانه‌دار بودن

وضعیت افراد	رضایت افراد از انجام کارهای خانه			جمع
	پایین	متوسط	بالا	
معلم	۱۰	۸۸	۵۲	۱۵۰
	۵۵٫۶٪	۵۰٫۹٪	۴۷٫۷٪	۵۰٫۰٪
خانه‌دار	۸	۸۵	۵۷	۱۵۰
	۴۴٫۴٪	۴۹٫۱٪	۵۲٫۳٪	۵۰٫۰٪
جمع	۱۸	۱۷۳	۱۰۹	۳۰۰
	۱۰۰٫۰٪	۱۰۰٫۰٪	۱۰۰٫۰٪	۱۰۰٫۰٪
	Chi-Square=۰/۵۰۴		Sig=۰/۷۷۷	
	Cramer's V=۰/۰۴۱		Df=۲	

بر اساس نتایج جدول فوق، مقدار آزمون خی‌دو برابر با  $۰/۵۰۴$  می‌باشد و با توجه به درجه آزادی  $df=2$ ، با قبول خطای بیش از  $۰/۰۵$  ( $sig=0/777$ ) و درجه اطمینان کمتر از  $۰/۹۵$  می‌توان گفت بین رضایت زنان از انجام کارهای خانه و وضعیت آن‌ها به لحاظ معلم- خانه‌دار بودن رابطه معناداری وجود ندارد، یعنی فرضیه خنثی ( $H_0$ ) که نشانگر عدم وجود رابطه است را پذیرفته و نمی‌توانیم رد کنیم.

- به نظر می‌رسد بین اشتغال و رضایت از وضعیت رفع تعارض زناشویی رابطه وجود دارد. بدین معنی که میزان رضایت زنان شاغل در این زمینه نسبت به زنان خانه‌دار بالاتر است.

جدول شماره (۵): مربوط به رابطه بین رضایت زنان از نحوه رفع تعارض و وضعیت آن‌ها به لحاظ معلم/ خانه‌دار بودن

وضعیت افراد	میزان رضایت افراد از وضعیت رفع تعارض			جمع
	پایین	متوسط	بالا	
معلم	۸	۶۴	۷۸	۱۵۰
	۳۶٫۴٪	۵۰٫۸٪	۵۱٫۳٪	۵۰٫۰٪
خانه‌دار	۱۴	۶۲	۷۴	۱۵۰
	۶۳٫۶٪	۴۹٫۲٪	۴۸٫۷٪	۵۰٫۰٪
جمع	۲۲	۱۲۶	۱۵۲	۳۰۰
	۱۰۰٫۰٪	۱۰۰٫۰٪	۱۰۰٫۰٪	۱۰۰٫۰٪

Chi-Square=۱/۷۷۳  
Cramer's V=۰/۰۷۷

Sig=۰/۴۱۲  
Df=۲

بر اساس نتایج جدول فوق، مقدار آزمون  $\chi^2$  دو برابر با  $1/773$  می‌باشد و با توجه به درجه آزادی  $df=2$ ، با قبول خطای بیش از  $0/05$  ( $sig=0/412$ ) و درجه اطمینان کمتر از  $0/95$  می‌توان گفت بین رضایت زنان از رفع تعارض و وضعیت آن‌ها به لحاظ معلم- خانه‌دار بودن رابطه معناداری وجود ندارد، یعنی فرضیه خنثی ( $H_0$ ) که نشانگر عدم وجود رابطه است را پذیرفته و نمی‌توانیم رد کنیم.

- به نظر می‌رسد بین زنان شاغل و خانه‌دار تفاوت معناداری به لحاظ میزان رضایت از زندگی زناشویی وجود دارد. بدین معنی که زنان شاغل میزان رضایت بیشتری از زندگی زناشویی دارند.

جدول شماره (۶): مربوط به رابطه بین میزان رضامندی زناشویی زنان و وضعیت آن‌ها به لحاظ معلم/ خانه‌دار بودن

وضعیت افراد	میزان رضامندی زناشویی افراد			جمع
	پایین	متوسط	بالا	
معلم	۲۸	۶۸	۵۴	۱۵۰
	۸۷٫۵٪	۴۷٫۹٪	۴۲٫۹٪	۵۰٫۰٪
خانه‌دار	۴	۷۴	۷۲	۱۵۰
	۱۲٫۵٪	۵۲٫۱٪	۵۷٫۱٪	۵۰٫۰٪
جمع	۳۲	۱۴۲	۱۲۶	۳۰۰
	۱۰۰٫۰٪	۱۰۰٫۰٪	۱۰۰٫۰٪	۱۰۰٫۰٪

Chi-Square=۲۰/۸۲۵  
Cramer's V=۰/۳۶۳

Sig=۰/۰۰۰  
Df=۲

بر اساس نتایج جدول فوق، مقدار آزمون  $\chi^2$  دو برابر با  $20/825$  می‌باشد و با توجه به درجه آزادی  $df=2$ ، با قبول خطای کمتر از  $0/01$  ( $sig=0/000$ ) و درجه اطمینان بیش از  $0/99$  می‌توان گفت بین

میزان رضامندی زناشویی زنان و وضعیت آن‌ها به لحاظ معلم- خانه‌دار بودن رابطه معناداری وجود دارد، یعنی  $H_0$  فرضیه خنثی که نشانگر عدم وجود رابطه است را نمی‌پذیریم و رد می‌کنیم. لازم به ذکر است با توجه به مقدار آزمون کرامر به دست آمده شدت همبستگی بین دو متغیر در حد متوسط می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

هر دو گروه به لحاظ سنی و تعداد سال‌های ازدواج و دارا بودن فرزند مورد کنترل قرار گرفته‌اند. محدوده سنی هر دو گروه از ۲۵ تا ۵۰ سال می‌باشد، همه متأهل و دارای فرزند بوده و حداقل ۵ سال از زندگی مشترک‌شان گذشته است.

با مقایسه متغیر رضایت از وضعیت رفع تعارض در هر دو گروه می‌توان دید میزان رضایت از وضعیت رفع تعارض در گروه زنان خانه‌دار کمتر از زنان شاغل می‌باشد و زنان شاغل عمدتاً رضایت بالاتری در این زمینه دارند. به طوری که ۵۱٪ زنان شاغل میزان رضایت‌شان را بالا و ۶۳٪ از زنان خانه‌دار میزان رضایت‌شان را پایین اعلام کرده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که اغلب زنان شاغل از وضعیت رفع تعارض در زندگی خود نسبت به زنان خانه‌دار راضی‌تر هستند اما با این حال مشاهده کردیم که رابطه معناداری خاصی بین این دو متغیر وجود ندارد. شاید بتوان این گونه نتیجه گرفت که اشتغال به صورت غیرمستقیم می‌تواند بر روی رضایت از این متغیر تأثیر بگذارد.

رضایت زنان از مسائل اقتصادی مربوط به خانواده در گروه زنان شاغل نیز پایین‌تر از زنان خانه‌دار است و زنان خانه‌دار از رضایت بیشتری در این زمینه برخوردار بودند. به طوری که ۷۷٪ از زنان شاغل میزان رضایت‌شان پایین و ۵۶٪ از زنان خانه‌دار میزان رضایت‌شان در این زمینه بالا می‌باشد.

رضایت از نحوه گذران اوقات فراغت در بین زنان شاغل پایین‌تر از زنان خانه‌دار است و زنان خانه‌دار میزان رضایت بیشتری در این زمینه دارند. به طوری که ۷۳٪ از زنان شاغل میزان رضایت‌شان پایین و ۵۵٪ از زنان خانه‌دار رضایت بالایی در این زمینه دارند.

رضایت زنان از نحوه تربیت فرزند در بین زنان شاغل بالاتر از زنان خانه‌دار است و زنان خانه‌دار رضایت کمتری در این زمینه دارند. به طوری که ۵۹٪ از زنان شاغل میزان رضایت‌شان بالا و ۶۰٪ از زنان خانه‌دار میزان رضایت‌شان پایین می‌باشد.

رضایت زنان از انجام کارهای خانه در بین زنان شاغل نیز پایین‌تر از زنان خانه‌دار می‌باشد و زنان خانه‌دار رضایت بیشتری در این زمینه دارند. به طوری که ۵۵٫۶٪ از زنان شاغل میزان رضایت‌شان پایین و ۵۳٫۲٪ از زنان خانه‌دار میزان رضایت‌شان در این زمینه بالا می‌باشد.

همان گونه که در ابتدای تحقیق مطرح کردیم، درخصوص آثار اشتغال بر زنان شاغل دو رویکرد کلی وجود دارد: یک رویکرد مثبت که معتقد است اشتغال می‌تواند آثار مثبتی بر زندگی زنان داشته باشد و یک رویکرد منفی که معتقد بود اشتغال دارای آثار زیان‌بار در زندگی زناشویی است. در این جا ما بدون هیچ

گونه پیشداوری برخی از متغیرهای مربوط به میزان رضایت را مورد آزمون قرار دادیم و در نهایت دیدیم که اشتغال در برخی موارد می‌تواند سطح رضایت از زندگی را بالا برده و در برخی موارد بر عکس عمل کرده و میزان رضایت‌مندی زنان از زندگی را کاهش دهد. به نظر می‌رسد وجود دو نقش متفاوت اشتغال و خانه‌داری به طور همزمان برای زنان شاغل موجب ایجاد تعارض نقشی شده و فشار ناشی از آن اثرات منفی بر جای می‌گذارد. باید تدابیری اندیشیده شود تا تعارض نقشی‌های گوناگونی که زنان در محیط خانه و اجتماع ایفا می‌کنند، به حداقل رسیده و تمهیدات لازم برای توان‌مندسازی و تقویت مهارت‌های آنان در راستای سایر عوامل توسعه فراهم شود، در این صورت تأثیرات مثبت اقتصادی و اجتماعی اشتغال زنان نیز نمود عینی خواهد یافت.

### منابع

- اسکیدمور، و. (۱۳۷۵). **تفکر نظری در جامعه‌شناسی**. ترجمه: علی، محمد، ح و دیگران. تهران: انتشارات تابان.
- بیابانگرد، ا؛ و دیگری. (۱۳۷۴). **بررسی آثار اشتغال مادران بر رشد اجتماعی و پیشرفت تحصیلی کودکان**. نشریه سیمای دختر بچه‌ها در جمهوری اسلامی ایران، زمستان ۱۳۷۴.
- توسلی، غ. (۱۳۷۱). **نظریه‌های جامعه‌شناسی**. تهران: انتشارات سمت.
- خسروی، ز؛ و دیگری. (۱۳۸۳). **بررسی عوامل مرتبط با سلامت روان زنان شاغل در بخش‌های مدیریتی، کارشناسی و خدماتی مراکز غیر دولتی شهر تهران**. **مطالعات زنان**. سال ۶۶۵، شماره ۱.
- دلاور، ع. (۱۳۷۴). **مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی**. تهران: نشر رشد.
- رستگارخالد، ا. (۱۳۸۸). **بررسی تعارض نقش شغلی - خانوادگی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن**. دانشور رفتار.
- ساروخانی، ب؛ و دیگران. (۱۳۷۵). **بررسی مسائل اشتغال زنان و خانواده**. طرح پژوهشی دانشگاه اهواز.
- ساروخانی، ب. (۱۳۸۸). **مقدمه‌ای در جامعه‌شناسی خانواده**. تهران: نشر سروش. چاپ دهم.
- سگال، م. (۱۳۸۵). **جامعه‌شناسی تاریخی خانواده**. ترجمه: حمید الیاسی. تهران: نشر مرکز. چاپ اول.
- عبدالله‌زاده، ح. (۱۳۸۲). **بررسی رابطه بین صفات شخصیتی و رضایت زناشویی در زوج‌های شهر دامغان**. پایان‌نامه ارشد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی تبریز.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵). **نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن کشور**. تهران: انتشارات مرکز آمار ایران.
- موسوی، ر. (۱۳۸۹). **بررسی و تمایز عوامل مؤثر بر رضامندی زناشویی در سه گروه گزشکان، کارمندان و کارگران شهر تهران**. کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم.
- موحدی، ب. (۱۳۸۰). **زنان، توسعه و تعدد نقش‌ها**. مجموعه مقالات، تهیه و تنظیم مرکز امور مشارکت زنان. تهران: انتشارات برگ زیتون.

Benokraitis, Nijole. (2007). **Marriage and families: change, choices and benokraitis**.

Zimmerman, shirly. (1950) **Understanding family policy (Theorise and Applications)**. London: New delhi, sage publications.